

لطیفه

لطفاً آخم نکنید

علی گودرزی



مشری: آقا! یک مو، توی غذای من پیدا شده.
پیش خدمت: بدهید به من! مطمئن باشید نگهش
می دارم تا صاحبش پیدا شود!



معلم: پسر! مدرسه‌ی خوب چه طور باید باشد؟
شاگرد: اجازه! بسته باشد.



پسر، کارنامه‌اش را پشتش قایم کرده بود.
پسر: پدر! اگر توانستی با چشم بسته این را امضا کنی!



معلم: آنچه موجودی است که رنگش
عوض می شود؟
شاگرد: چراغ راهنمایی آقا!



پسر: بابا این گربه چند سالش است؟
پدر: ۲ سال.
پسر: من چند سالم است؟
پدر: ۵ سال.
پسر: پس چرا گربه سیل دارد و من ندارم؟!



مرد: اگر حدس بزنی چندتا مرغ دارم، هر سه تا را
به تو می دهم!